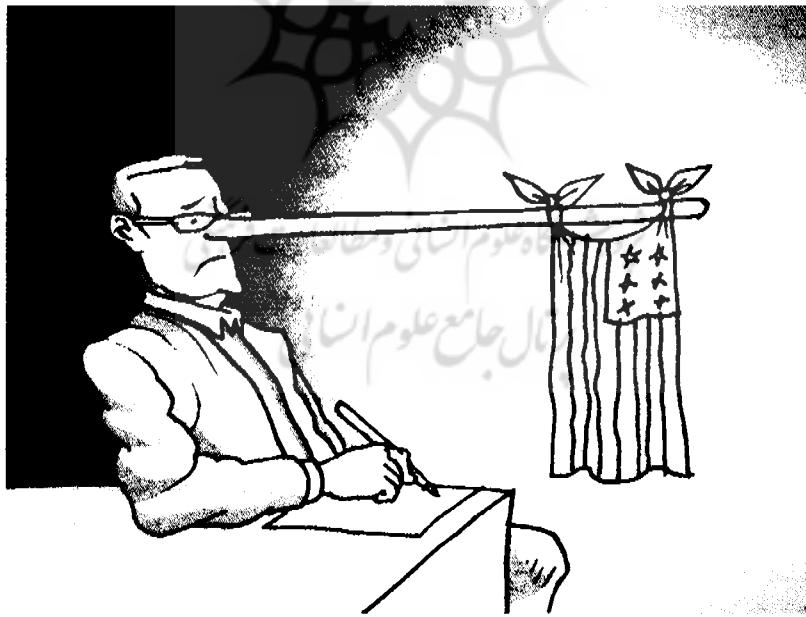


حسابداری ساختگی و رسوایی‌های مالی شرکت‌های آمریکایی

در حسابداری ساختگی، گزارشگر بی آن که اصول موازین و استانداردهای حسابداری را زیر پابگذارد تنها با بهره‌جویی از نبود استانداردها، قوانین مالیات‌ها و مقررات مالی حاکم بر یک رویداد مالی، اقدام به ارائه تصویری نادرست و دلخواه مدیر می‌کند

دکتر محسن دستگیر

مقدمه
رسوایی‌های مالی که اخیراً برای شرکت‌های سهامی بزرگ کشور ایالات متحده رخ داد ناشی از حسابداری ساختگی است. این رسوایی‌ها تاثیر بسیار ژرفی بر نهادهای مالی آن کشور و تبعاً بر بازارهای مالی سایر کشورهای صنعتی گذاشت. هدف



چکیده

کشورهای انگلیسی زبان با پذیرش سیستم حسابداری مبتنی بر اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری، سال‌ها است که راه را برای انتعاف حسابداران در انجام امور حسابداری شرکت‌ها باز گذاشته‌اند. ناهنجاری‌های مالی که از این رهگذر، دامن سیستم‌های حسابداری این قبيل

کشورها را گرفته است، موجب گشته تا با ارائه استانداردهای حسابداری انتعاف عمل حسابداران را کاهش دهند سیستم‌های حسابداری خود را سامان بخشنند. با وجود چنین راه کاری هنوز هم شاهد مشکلات مالی بسیار و حسابداری این گونه کشورها پدید می‌آید. هر از گاهی رسوایی‌های بزرگ حسابداری در

جهنمهای مختلف قانونی، مالی و حسابداری اوراق قرضه قابل تبدیل مستتر شود. این گونه نشریه‌ها انگیزه‌های صدور چنین ابزارهای مالی و علاقه‌مندی موسسات حرفه‌ای در ارایه‌ی چنین برنامه‌های پیشرفته را برای خوانندگان خود منتشر می‌کنند. اطلاعات مربوط به سیاست‌های حسابداری شرکت‌های منتشر کننده ابزارهای مالی یادشده را می‌توان از گزارش‌های مالی آنها به دست آورد. افزون بر موارد یاد شده، با مصاحبه با موسسه‌های حرفه‌ای کلیدی که در نوآوری چنین اوراق بهاداری درگیر بوده‌اند، می‌توان به اطلاعات مهمی دست یافت. شاه (۱۹۹۵) با استفاده از راههای پیش‌گفته اقدام به جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌هایی در مورد صدور اوراق قرضه قابل تبدیل و شیوه‌های مختلف حسابداری آن‌ها کرد.

اوراق قرضه‌ی قابل تبدیل به سهام عادی اوراق قرضه‌ی قابل تبدیل به سهام عادی، ترکیبی از اوراق قرضه و اختیار تبدیل این گونه اوراق به سهام عادی شرکت صادرکننده، در یک تاریخ معین در آیینه است. از نظر حسابداری، رویه‌ی معمول در کشورهای انگلستان و آمریکای شمالی، به حساب گرفتن اوراق قرضه به عنوان بدهی و کوپن آن به عنوان هزینه تا زمان تبدیل آن‌ها به سهام عادی است. طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ در کشور انگلستان نوآوری‌هایی در صدور اوراق قرضه قابل تبدیل صورت گرفت، (پوب و پوکسدی ۱۹۹۱). اولین نوع از چنین ابزار مالی، اوراق قرضه قابل تبدیل با صرف اختیار فروش^۱ بود که توسط گروه برتون^۲ در سال ۱۹۸۷ صادر گردید. بهره‌ی آن در پنج سال اول از تاریخ صدور کمتر از بهره‌ی کوپن اوراق قرضه قابل تبدیل مستثنی بود. از این رو، برای جبران بازدهی کمتر آن، به

برخی روش‌های حسابداری ساختگی
نتیجه‌ی برسی‌های انجام شده در
کشورهای صنعتی به ویژه کشور انگلستان
انشان می‌دهد، افرادی که وظیفه ایشان
آشنازی و رعایت مقررات است، یعنی
حقوق دانان و حسابداران درگیر انجام
حسابداری ساختگی هستند. در سال‌های
۱۹۸۷-۹۰، اوراق قرضه قابل تبدیل توجه
بسیاری از مهندسین مالی را به خود جلب
کرد، (شاه ۱۹۹۰). در ابتدا، مقررات و
استانداردهای خاصی در زمینه نحوه
نجام حسابداری اوراق قرضه قابل تبدیل
وجود نداشت. بنابراین از ابتدا هیچ‌گونه
دستورالعملی در ارتباط با نشان دادن چنین
اوراق بهادری به عنوان بدھی یا حقوق
صاحبان سهام وجود نداشت. هم چنین در
موردن به حساب سود و زیان بردن هزینه‌ی
بهره (کوپن) اوراق قرضه قابل تبدیل نیز
توافق آرا وجود نداشت. نبود مقررات مالی
و استانداردهای حسابداری، موجب ایجاد
فرصت‌های زیادی برای حسابداری
ساختگی گردید، (پوپ و پوکسدی ۱۹۹۱).
اسمیت (۱۹۹۲) یک فصل از کتاب خود را
به یک نوع از این ابزارها (اوراق قرضه)
 اختصاص داده است. یکی از مشکلات
تجزیه و تحلیل فرایند حسابداری ساختگی
حساسیت بالقوه در جمع آوری داده‌ها است،
زیرا چنین داده‌هایی باید از افرادی
جمع آوری شود که تجزیه و تحلیل و
بررسی‌ها به روشنان دست آن‌ها در
حسابداری ساختگی، مه انجامد.

مزیت مطالعه اوراق قرضه قابل تبدیل، یکی ضرورت قانونی است که تمامی صادرکنندگان چنین اوراق بهاداری باید مشروح اطلاعات مربوط به شرایط ابزار مالی، مشاورین حرفه‌ای و هزینه‌ی صدور آن‌ها را منتشر کنند، (بازار اوراق بهادار لندن ۱۹۹۲). منبع دیگری که چنین اطلاعاتی را ارایه می‌دهد، مجلات تجارتی است که توسط مراکز حرفه‌ای در مورد

مالی در زمینه انجام یک رویداد مالی، اقدام به ارایه تصویر نادرست و دلخواه مدیران از شرکت می کند.

استانداردهای حسابداری به دلیل اعمال نفوذ گروههای ذی نفع از طریق لابی و سایر شیوه های پیشبرد مقاصد خود، هر چقدر هم به ظاهر محکم و اساسی تنظیم گردد باز هم جای مانور را باز می گذارند. حسابداران می توانند ضمن رعایت صوری این گونه استانداردها و مقررات مالی، روح آنها را در عمل بکار نگیرند. بنابراین همیشه استانداردگذاران حسابداری از استفاده کنندگان آنها عقب تر هستند، (مک بارت ۱۹۸۸).

هوب وود (۱۹۹۰) می‌گوید: «گزارش‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های سهامی با کمبود برخی مشخصه‌ها همراه است که موجب نفوذ نا亨جاري هاي در گزارش‌های مالی می‌گردد. به طور مثال انتخاب و برآورد در حسابداری وارد گردیده که زمینه را برای انتخاب راهبردی مدیریت آماده کرده است و چنان‌زنی را به جای روش‌های مخصوص حسابرسی، حاگزگزین می‌کند...»

در مقاله‌ای که اسمیت (۱۹۹۲) زیر عنوان "حسابداری رشد" ارایه کرد، به معرفی برخی از شرکت‌ها پرداخت. این گزارش پژوهشی، موجب جنجال در محافل مالی و حسابداری انگلستان گردید و ارزش سهام شرکت‌هایی که او در مقاله‌اش نام بردۀ بود، پس از انتشار مقاله، کاهش یافت.

با وجود شواهد زیادی که در مورد حسابداری ساختگی در شرکت‌های مختلف یافته می‌شود، هنوز ادبیات این موضوع در زمینه‌ی شیوه‌ی انجام و فرایند دور زدن اصول و موازین، استانداردها و مقررات حسابداری، بدون آن که چنین امری آشکار شود، شکل نگرفته است. بنابراین هدف این نوشتار آشکار کردن برخی از شیوه‌های حسابداری ساختگی است.

قابل تبدیل پیش‌گفته را جمعاً به مبلغ ۳۵۸۴ میلیون پوند انتشار دادند. برخی از این شرکت‌ها بیش از یک نوع اوراق بهادر منتشر کردند. اغلب این شرکت‌ها از میان شرکت‌های صاحب نام انگلیسی مانند، بریتیش ایرلاینز^۹، ۳۲۰ میلیون پوند، ساتچی اند ساتچی^{۱۰}، ۱۷۷ میلیون پوند، بلوسیرکل^{۱۱}، ۹۰ میلیون پوند بودند، که اسعمیت، در فصل ۱۶ کتاب خود از آنها به عنوان شرکت‌هایی که حسابداری ساختگی را انجام داده‌اند نام برده است.

طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ در رابطه با شیوه‌ی حسابداری اوراق بهادار قابل تبدیل هیچ‌گونه استانداردی در بریتانیا وجود نداشت. براساس بیانیه‌ی شماره ۲ کارگروه استانداردهای حسابداری کشور انگلستان که در آن برخی اصول بنیادین حسابداری مشخص و تعریف شده است، مبانی حسابداری تعهدی و مفهوم محافظه‌کاری، ایجاب می‌کند که هزینه‌های بهره تکمیلی از زمان انتشار اوراق بهادار مربوطه مستهلك گردد. این نکته در نظر انجمن حسابداران چارت‌ردم انگلستان و ویلز (ICAEW) که تحت عنوان TR667 در سال ۱۹۸۸ صادر شد، مدنظر قرار گرفت. اما این نظریه دارای ضمانت اجرایی مانند استانداردهای حسابداری، نبود. ولی به‌هرصورت این اثر در زمانی صادر شد که هیچ راه حلی برای حسابداری اوراق بهادار قابل تبدیل با صرف اختیار فروش جهت ارایه شیوه‌ی حسابداری این گونه اوراق بهادار وجود نداشت. بنابراین هیچ‌گونه استاندارد حسابداری یا بیانیه‌ای در رابطه با طبقه‌بندی اوراق قابل تبدیل جدید، مانند آن دسته که در بالا نام برده شد، به عنوان یکدهی یا حقوق صاحبان سهام وجود نداشت. این همان خلاصه در اصول و موازین حسابداری بود، که منتشرکنندگان چنین اوراق بهاداری با استفاده از آن مبادرت به انجام حسابداری ساختگی می‌کردند، (پوپ

صادره کننده اوراق بهادر مبادرت به صدور آن‌ها از یکی از جزایر آزاد آن کشور می‌کردند. این کار موجب شد تا مزیت مالیاتی یاد شده در بالا از بین برود. چنانی غقییری در قوانین مالیاتی باعث پیدایش نوع دیگری از اوراق بهادر قابل تبدیل به نام اوراق قرضه سرمایه‌ای^۷ گردید. این ابزار مالی به نحوی طراحی شده بود تا از مزیت مالیاتی و حسابداری سهام مستعار قابل تبدیل فلات فارهای استفاده شود. این بارین اوراق بهادر از طریق شرکت فرعی ایجاد شده در جزیره‌ی انگلیسی جرزی^۸ صادر گردید.

رونق عمده انتشار اوراق بهادر یاد شده در این مقاله در کشور انگلستان بین سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ بوده است، (شاه ۱۹۹۲). در این دوران انواع اوراق قرضه‌ی نابل تبدیل با صرف اختیار فروش، سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای و اوراق نرخ سرمایه‌ای قابل تبدیل به سهام عادی منتشر گردید. دلیل اصلی انتشار چنین اوراق بهادری که نمونه‌ی آن‌ها قبلاً بوده است، نجام حسابداری ساختگی است. تغییر روند انتشار اوراق قرضه‌ی قابل تبدیل با صرف اختیار فروش، به سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای به منظور مزیت حسابداری ساختار صرف فروش و براساس ن تعیین ساختاری از ابزار تامین مالی است که به‌توان آن را تحت عنوان حقوق صاحبان سهام طبقه‌بندی کرد. تغییر روند انتشار سهام ممتاز قابل تبدیل فلات قاره‌ای به اوراق قرضه‌ی سرمایه‌ای قابل تبدیل به سهام عادی، ناشی از تغییر مقررات مالیاتی ده است.

لازم به ذکر است که هر بار نوع جدیدی از
وراق بهادر انتشار می یافتد نوع قبلی حذف
می گردید. چون شرکت ها مبادرت به انتشار
وراق بهادری می کردند که بیشترین منافع را
برایشان داشت. در دوران یاد شده، سی و دو
شرکت بزرگ انگلیسی انواع اوراق بهادر

خریداران قول افزایش زیادی در قیمت سهام عادی داده شده بود. اگر چنین افزایشی صورت نگیرد، سرمایه گذاران در این قبیل اوراق بهادر اختیار تقاضای بازخرید و وصول کمبوڈ بهره‌های پنج سال گذشته خود را خواهند داشت. این قبیل بهره را بهره‌ی تکمیلی^۳ گویند. نکته‌ی مهم در این جا شیوه‌ی حسابداری هزینه‌ی بهره‌ی تکمیلی است. آیا باید این قبیل بهره‌ها در طول پنج سال اول به عنوان هزینه‌های انتقالی به

دروزه های الى سعى بر زندگانی ای اوراق
در سال ۱۹۸۸ نوع دیگری از اوراق
بهادر قابل تبدیل ابداع گردید که آن را سهام
ممتاز قابل تبدیل فلات قاره ای با صرف
اختیار فروش^۴ نامیدند. اول بار شرکت
یونایتد بیسکیت^۵ مبادرت به صدور آن
کرد. تفاوت مهم این نوع اوراق بهادر با نوع
قبلی که در بالا توضیح داده شد، در استفاده
از سهام ممتاز به جای اوراق قرضه است، که
موجب گریز از نشان دادن بدھی در سال های
اولیه صدور گردید. نیاوردن ابزار مالی به
عنوان بدھی و نشان دادن آن در بخش
حقوق صاحبان سهام موجب افزایش قابل
مالحظه ای این بخش از ترازنامه می شود. در
هنگام جذب و ادغام شرکت ها که حساب
سرقله های کلان ایجاد می شود و باید آن را
به اندوخته ها در بخش حقوق صاحبان
سهام بست، طبقه بندی بالا مفید است.

ماهیت فلات قاره‌ای بودن چنین اوراق بهاداری موجب می‌شود تا پیش از پرداخت مالیات سود سهام α ممتازی را که شرکت باید برای سهام ممتاز منتشر شده‌ی خود پردازد کاهش دهد. (هیوز و لوپ باک، ۱۹۸۹). بنابراین اوراق بهادار یاد شده در بالا طوری طراحی شده‌اند که در نبود استاندارد یا برخی قوانین مالیاتی، حداقل استفاده را نصیب صادرکننده ام. گ دانند.

در سال ۱۹۸۸ اداره مالیات‌های انگلستان قرارداد مالیات موضعی را با هلنند بست که به موجب آن شرکت‌های

شده‌ی حسابداری (GAAP) که در آن حسابداران دارای آزادی عمل حسابداری هستند ولی قابلیت مقایسه‌ی گزارش‌های مالی شرکت‌های مختلف کم است. سیستم حسابداری کشورهای اروپایی (غیر از انگلستان) به سیستم حسابداری هماهنگ^{۱۴} معروف است. در این سیستم قابلیت مقایسه‌ی گزارش‌های مالی زیاد ولی آزادی عمل حسابداران محدود است. آزادی عمل حسابداران در سیستم مبتنی بر اصول و موازین حسابداری، ضرورت تدوین مداوم استانداردهای حسابداری را برای به نظم در آوردن انعطاف حسابداران، ایجاب می‌کند. منتقدین نظام حسابداری مبتنی بر اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری (GAAP) ایرادهای بسیار جدی به آن وارد کرده‌اند. آن‌ها براین باورند که کارکردهای استانداردگذار حسابداری تحت تاثیر لابی‌ها و سیاسی کاری‌های شرکت‌های بزرگ تجاری، حسابرسی (پنج ابر موسسه‌ی حسابرسی دنیا) و سایر گروه‌های ذی‌تفع که دارای قدرت مالی نیز هستند قرار می‌گیرند. بنابراین تعجبی نخواهد داشت که شاهد باشیم استانداردهای حسابداری چنین کارگروه‌هایی کمکی به کاهش یا نابودی حسابداری ساختگی نکند.

به نوشته

- 1- Premium Put Convertible Bond
- 2- Burton Group
- 3- Supplemental Interest
- 4- The Offshore Premium Put Convertible Preference Shares
- 5- United Biscuit
- 6- در کشور انگلستان شرکت‌هایی که سود سهام می‌پردازند، طبق قانون مالیات‌ها موظف هستند، پیش پرداخت سود سهام Advance Corporate Tax (ATC) را محاسبه کرده به اداره مالیات‌ها پردازند.
- 7- Convertibel Capital Bond (CCB)
- 8- Jersey

حسابداری ساختگی روی آورده‌اند. ولی هنوز آهنگ رسوایی آن‌ها نواخته نشده است. اخبار حسابداری ساختگی این چند شرکت چنان طوفان مهیبی در اوضاع بازارهای مالی آمریکا و سایر بازارهای مالی دنیا بوجود آورده که سیاستمداران را مجبور به دخالت کرد. قوه‌ی مقننه آمریکا نیز قوانین بسیار سنگینی برای مدیرانی که از این به بعد به حسابداری ساختگی روی می‌آورند گذراند. در آمریکا اعتماد سهام داران به کلی نسبت به گزارش‌های مالی شرکت‌های سهامی از بین رفته است. برخی از کارکنان شرکت نفتی انرون که سهام شرکت را نیز خریداری کرده بودند، زیان‌های سنگین متحمل شدند.

بی‌اعتمادی ناشی از این رسوایی‌های مالی موجب سست شدن پایه‌های اقتصاد آزاد غرب گردیده است. سوال اساسی که ذهن هر تحلیل‌گر مالی و صاحب نظر مدیریت مالی را به خود مشغول می‌کند، این است که چگونه بازارهای معاملات سهام که کارایی آن‌ها در دهه‌ی هفتاد میلادی، در سطح نیمه قوی توسط پژوهشگران به اثبات رسیده است از این رسوایی‌های مالی غافل ماندند؟ ضربه‌ای که حسابداری ساختگی و رسوایی‌های بعدی آن به نظریه کارایی بازار معاملات سهام زده است جای پژوهش‌های حسابرسی خود.

سوال دیگر این که چگونه وضع کنندگان استانداردهای حسابداری از ارائه‌ی ساختاردهایی که به ناهنجاری حسابداری ساختگی پایان دهد عاجزند؟ اصولاً در دنیا دو سیستم کلی حسابداری وجود دارد. یکی سیستمی که در کشورهای انگلیسی زبان (آمریکا، کانادا، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند) رایج است و دیگری سیستمی که در اغلب کشورهای پیشرفته اروپایی مانند، فرانسه، آلمان و سویس وجود دارد. سیستم حسابداری کشورهای انگلیسی زبان سیستمی است مبتنی بر اصول پذیرفته

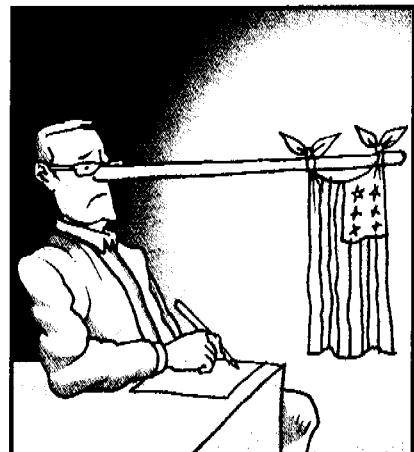
و پوکسdi، ۱۹۹۰ و دو، ۱۹۹۱). نشان دادن این اوراق بهادر در بدھی‌های شرکت موجب شد نسبت اهرم مالی شرکت‌ها و به دنبال آن ریسک شرکت‌ها افزایش باید. متشرکنندگان اوراق بهادر مذکور تمایل داشتند که آن‌ها را جزو حقوق صاحبان سهام شرکت گزارش کنند تا هم موجب افزایش نسبت‌های اهرمی نگردد و هم مزایای قابل توجه از بستن حساب سرفصلی خریداری شده به حقوق صاحبان سهام ایجاد شود. (شاه ۱۹۹۳).

نتیجه‌گیری

رسوایی‌های مالی اخیر شرکت‌های بزرگ آمریکایی که یکی پس از دیگری رو می‌شود، همگی ناشی از حسابداری ساختگی است. اولین شرکتی که حسابداری ساختگی در آن آشکار گردید، شرکت نفتی و بزرگ انرون^{۱۵} بود. مدیران این شرکت سال‌ها سرگرم انجام حسابداری ساختگی بوده‌اند. آن‌ها در کمال رعایت اصول و موازین و استانداردهای موجود حسابداری، اما با استفاده از خلاصه‌ها مبادرت به ترسیم چهره‌ای بهتر از شرکت می‌کردند. نکته قابل توجه این که حسابسان شرکت، یعنی شرکت حسابرسی معروف آرتور اندرسون^{۱۶}، در گزارش‌های حسابرسی خود مربوط به شرکت انرون به چنین مشکلاتی اشاره نکرده‌اند. پس از انرون نویت به ورلدکام، زیراکس، و شرکت بزرگ دارویی مرک رسید. هر یک از این شرکت‌ها طی سالیان متمادی به انجام حسابداری ساختگی مشغول بوده‌اند، تنها شرکت دارویی مرک طی سه سال گذشته ۱۲ میلیارد دلار اوضاع مالی خود را بهتر نشان داده است.

نمونه‌های بالا، تنها نوک کوه عظیم یخی است که از زیرآب سریب آورده است. به دیگر سخن شرکت‌های بسیاری وجود دارد که به

- Society (Spring 1988) pp. 113-121
- 8- Mitchell, A., Sikka, P., Christensen, J., Morris, P. and Filling, S., No Accounting for Tax Havens, Association for Accountancy & Business Affairs, (2002).
- 9- Pope, P.F. and Puxty, A.G., What is Equity? New Financial Instruments in the Interstics between the Law, Accounting and Economics: The Modern Law Review (November 1991) pp.889-911.
- 10- Shah, A., Accounting Policy Choice: The Case of Financial Instruments. Unpublished doctoral dissertation, London School of Economics (April 1993)
- 12- Sikka, P., Regulation of Accountancy and the Power of Capital: Some observations, Critical Perspective on Accounting, (2001) 12,pp.199-211
- 13- Smith, T., Accounting for Growth: Stripping the Camouflage from Company Accounts (London: Century Business Publications, 1992)
- the Public in thn Dark, Association for Accountancy & Business Affairs, (1999)
- 2- Dow, R., Convertibel Capital Bonds: The New Financing Solution, Practical Law for Companies (August1990)pp-7-14
- 3- Hopwood, A., Ambiguity, Knowledge and Territorial Claims: Some Obervations on the Doctrine of Substance over Form: A Review Eassy, British Accounting Review (March 1990) pp. 79-87
- 4- Hughes, N.& Lubbock, E., Euroconvertibel (referenced Shares, The Treasurer (Aprill 1989) pp. 43-45
- 5- Institute of Chartered Accountants in England and Wales, TR677- Accounting for complex Capital Issues, Accountancy (January 1985) pp.147-148
- 6- London Stock Exchange, Admission of Securities (London:1992)
- 7- McBarnet, D., Law, Policy and Legal Avoidance: Can Law Effectively Implement Egalitarian Policies, Journal of Law and
- 9- Britiah Airways
- 10- Saatchi and Saatchi
- 11- Blue Circle
- 12- Enron
- 13- Arthur Anderson
- 14- Worldcom
- 15- Xerox
- 16- Merck
- 17- Uniform Accounting System
- منابع
- 1- Dunn, J. and Sikka, P., Auditors: Keeping



استاد و ثوّق

چند روز دیگر سالگرد درگذشت شادروان استاد علی خان وثوق می باشد. شادروان وثوق از استادان صاحب نام رشته‌ی حسابداری بود که زندگی خود را وقف درس و بحث نمود. فقید سعید در ۱۳۲۶ درجه کارشناسی رشته‌ی حقوق قضایی را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، در ۱۳۴۵ درجه کارشناسی ارشد از دانشکده‌ی علوم اداری دانشگاه تهران و در سال درجه‌ی دکتری علوم سیاسی را از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران اخذ نمود.

علی خان وثوق یادگار دوران تاسیس رشته‌ی حسابداری در دانشگاه‌ها بود و بیش از ۵۰ سال به دانشجویان حسابداری این مرزو بوم چه با تدریس چه با نشر کتاب‌های سودمند خدمت نمود یادش گرامی باد.